

معرفی شاخص، روش‌شناسی و ارائه محاسبات انجام شده

شاخص رقابت‌پذیری

از: دکتر مرتضی ایمانی‌راد

در گزارش مجمع این هشت عامل در یک شاخص به نام شاخص رقابت‌پذیری (COMPETITIVENESS INDEX) تلفیق شده‌اند و براساس این شاخص ۴۹ کشور چه در سال ۱۹۹۶ و ۵۳ کشور جهان در سال ۱۹۹۷ مورد مقایسه قرار گرفته و براساس این شاخص رتبه‌بندی شده‌اند. مطالعات اقتصادسنجی این مجمع نشان می‌دهد که هرچه در یک کشور شاخص رقابت‌پذیری بالاتر باشد نرخ رشد اقتصادی نیز بالاتر است. این رابطه برای ۳ کشور مورد مطالعه محاسبه شده است. همبستگی آماری شاخص رقابت‌پذیری و نرخ رشد اقتصادی مورد تایید قرار گرفته است. نکته مهمتر در روش‌شناسی مجمع اقتصاد جهانی این است که شاخص رقابت‌پذیری نه تنها همبستگی معنی‌داری با نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد درآمد سرانه دارد، بلکه بیانگر پتانسیل رشد اقتصادی کشورها در میان مدت (دوره ۵ تا ۱۰ سال) نیز می‌باشد. بنابراین این شاخص می‌تواند دو کاربرد عمده داشته باشد. اول اینکه با کمک این شاخص می‌توان پتانسیل و نرخهای رشد اقتصادی کشورهای مختلف را به‌نوعی برآورد کرد و دوم اینکه با شناخت از شاخصهای اصلی و فرعی این مطالعه می‌توان جهت‌گیری سیاست کشور را برای حصول به نرخ رشد بالاتر اقتصاد استخراج کرد. طبیعی است که باین مسأله نمی‌توان مکانیکی برخورد کرد. اتخاذ شاخصها و استفاده از آنها برای سیاستگذاران بستگی زیادی به شرایط موجود هر کشور دارد. بنابراین الگوی مجمع اقتصاد جهانی، هرچند که از مجموعه آماری و اطلاعاتی وسیعی استفاده کرده است، تنها می‌تواند الگویی آرمانی برای جهت‌گیری سیاستی به‌شمار رود. انطباق این

۱۹۹۶ توسط «فرانکل»، «رومر» و «وارنر» مورد تایید قرار گرفت. بعد از کارهای اساسی «شومپیتر» و «هیکسن»، که از صاحبان اندیشه اقتصادی به‌شمار می‌روند، به تبعیت از آنها نهادهای مالی کارا به‌عنوان عوامل موثر رشد توسط «کینگ» و «لوین» مورد توجه قرار گرفت. «بارو» نیز در مطالعات خود ثبات سیاسی، کوچک بودن دولت و آموزش را در افزایش نرخ رشد با اهمیت یافت. این مطالعات همراه با مطالعات گسترده دیگر عوامل کلیدی رشد اقتصادی را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داد. هرچند که در تاثیر این عوامل بر نرخ رشد اقتصادی کشورهای مختلف تردیدی نیست، ولی هیچ‌یک از این محققان ادعا نکرده‌اند که تمامی نرخ رشد اقتصادی را در مباحث و محاسبات خود نشان داده‌اند. در تمامی این مطالعات بخشی از عوامل توضیح‌دهنده نرخ رشد اقتصادی ناگفته باقی مانده است.

مجمع اقتصاد جهانی (WORLD ECONOMIC FORUM) با بهره‌گیری از مطالعات و تحقیقات انجام شده در جهان در پی یافتن نگرشی جامع به‌رشد اقتصادی کشورهای جهان است. این مجمع که مرکز آن در ژنو سوئیس است سالانه گزارشی تحت‌عنوان «گزارش رقابت‌پذیری جهانی» منتشر می‌کند و در این گزارش با نگرشی جامع، هشت عامل محوری که با هم رشد اقتصادی کشورهای مختلف جهان را توضیح می‌دهد معرفی می‌کند.

چرا بعضی از کشورها سریعتر از کشورهای دیگر حرکت می‌کنند؟ چرا نرخهای رشد متفاوت است؟ فاصله وسیع اقتصادی بین کشورهای مختلف جهان چرا بوجود آمده است؟ این سئوالات کلیدی چندین سال است که در ادبیات رشد و توسعه مطرح شده و پاسخ‌های متعددی نیز به این سئوالات در کتابهای مختلف داده شده است؟ در واقع دانش اقتصاد رشد و توسعه پاسخ این سئوالات است که بخصوص در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی با افزایش شکاف بین کشورهای پیشرفته و عقب‌مانده گسترش بیشتری یافت. از سالهای بعد از جنگ جهانی دوم علل رشد و توسعه کشورها غالباً تک‌عاملی دیده می‌شد و جو فکری قالب به سمت سرمایه‌گذاری به‌عنوان عامل توسعه و رشد مطرح شد. به‌تدریج عوامل دیگر از قبیل دولت، زیربنای و آموزش نیز در مباحث توسعه مورد بحث قرار گرفت، ولی تا نیمه دوم دهه ۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به مبحث رشد و توسعه کمتر با دید یکپارچه و جامع نگریسته شد. «دولار» و «بن دیوید» در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ به چگونگی ارتباط یک کشور با نظام جهانی به‌عنوان مهمترین عامل در رشد اقتصادی تاکید کردند. استدلال اساسی آنان این بود که هرچه یک کشور خود را به روی نظام جهانی بازتر کند و کنترل‌های تعرفه‌ای و محدودیت‌های مقداری را حذف نماید دارای پتانسیل رشد و لذا نرخ رشد بالاتری است. مطالعات «دولار» و «دیوید» در سالهای ۱۹۹۵ و

جدول ۱ - شاخص رقابت پذیری کشورهای منتخب جهان در سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷

کشور	اندازه شاخص	
	سال ۱۹۹۷	سال ۱۹۹۶
سنگاپور	۲/۳۲	۱
هنگ کنگ	۲/۰۶	۲
امریکا	۱/۶۱	۳
کانادا	۱/۳۸	۴
نیوزیلند	۱/۲۲	۵
سوئیس	۱/۱۷	۶
انگلستان	۱/۱۳	۷
تایوان	۱/۰۵	۸
مالزی	۱/۰۴	۹
نروژ	۱/۰۴	۱۰
لوکزامبورگ	۰/۹۶	۱۱
هلند	۰/۹۳	۱۲
شیلی	۰/۹۲	۱۳
ژاپن	۰/۹۱	۱۴
اندونزی	۰/۸۲	۱۵
ایرلند	۰/۸۱	۱۶
استرالیا	۰/۷۸	۱۷
تایلند	۰/۶۷	۱۸
فنلاند	۰/۶	۱۹
دانمارک	۰/۵۸	۲۰
کره جنوبی	۰/۵۴	۲۱
سوئد	۰/۴۸	۲۲
فرانسه	۰/۳۰	۲۳
اسرائیل	۰/۲۳	۲۴
آلمان	۰/۲	۲۵
اسپانیا	۰/۲	۲۶
اتریش	۰/۲	۲۷
مصر	۰/۱۱	۲۸
چین	۰/۰۶	۲۹
پرتغال	۰/۰۵	۳۰
بلژیک	-۰/۰۷	۳۱
جمهوری چک	-۰/۰۸	۳۲
مکزیک	-۰/۱۱	۳۳
فیلیپین	-۰/۱۱	۳۴
اسلواکی	-۰/۳۸	۳۵
ترکیه	-۰/۴۵	۳۶
آرژانتین	-۰/۴۸	۳۷
ایسلند	-۰/۵۲	۳۸
ایتالیا	-۰/۶۸	۳۹
برو	-۰/۶۹	۴۰
کلمبیا	-۰/۸۱	۴۱
برزیل	-۰/۸۴	۴۲
اردن	-۰/۸۵	۴۳
آفریقای جنوبی	-۰/۸۹	۴۴
هند	-۰/۹۲	۴۵
مجارستان	-۱/۰۱	۴۶
ونزوئلا	-۱/۱۰	۴۷
یونان	-۱/۱۰	۴۸
ویتنام	-۱/۲۰	۴۹
لهستان	-۱/۲۷	۵۰
زیمبابوه	-۱/۴۲	۵۱
اکراین	-۱/۷۳	۵۲
روسیه	-۱/۸۹	۵۳

گو برای ایران و استخراج سیاستهای رشد و سعه از آن ممکن است گمراه کننده باشد. زیرا شرایط فعلی اقتصاد ایران دارای چارچوبهایی است که در اساس با این مطالعه سازگار نیست و باید یکی از دلایل حذف ایران در محاسبه شاخص رقابت پذیری توسط مجمع اقتصاد جهانی همین مساله باشد.^(۱) بنابراین کاربرد این شاخص و سیاستهای استخراج شده از آن برای ران با احتیاط و با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی کشور باید صورت گیرد. جدول (۱) شاخص رقابت پذیری را برای ۵۳ کشور منتخب نشان می دهد.

عدد مقابل هر کشور نشان دهنده مقدار شاخص است که با روشی که در پی می آید محاسبه شده است. در این صورت شاخص رقابت پذیری امریکا ۱/۶۱ است و در سال ۱۹۹۶ بین ۴۹ کشور رتبه چهارم و در سال ۱۹۹۷ بین ۵۲ کشور رتبه سوم را بدست آورده است. مانظور که این جدول نشان می دهد رقابت پذیرترین اقتصاد جهان سنگاپور است که ر سالهای ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ رتبه اول را داشته است. کشورهای روسیه، اکراین، لهستان، یمبابوه و ویتنام در قعر جدول هستند.^(۲) کشورهای برزیل، اندونزی، ایرلند، اسپانیا که در سال ۱۹۹۶ در رتبه های پایین رقابت پذیری قرار داشته بودند در سال ۱۹۹۷ به نحو قابل ملاحظه ای به مکانهای بالاتر ارتقاء یافتند و رعکس کشورهای اردن، ایسلند و اتریش در سال ۱۹۹۷ نسبت به سال ۱۹۹۶ دارای کاهش سطح رقابت پذیری بوده اند و در رتبه جهانی به کانهای پایین تری انتقال یافته اند.

وش شناسی شاخص رقابت پذیری: همانطور که گفته شد شاخص رقابت پذیری گروشی جامع به عوامل رشد دارد. در وش شناسی شاخص رقابت پذیری هشت عامل بن شاخص را می سازد. به عبارت دیگر برای شد اقتصادی هشت عامل مهم شناسایی شده است که از تلفیق این هشت شاخص درجه رقابت پذیری محاسبه می شود. این هشت عامل ه شرح زیرند:

۱ - بازبودن اقتصاد

این عامل چگونگی و میزان ادغام کشور را در نظام اقتصاد جهانی بررسی و اندازه گیری می کند. این ادغام به طور معمول در دو حوزه بازبودن مسیر واردات و صادرات و مهیا بودن نقل

و انتقال سرمایه تعریف می شود. مطالعات مجمع اقتصاد جهانی نشان می دهد اقتصادهای باز دارای نرخ رشد بالاتری هستند. از اینرو در این شاخصها بازبودن اقتصاد به عنوان یک شاخص مهم در سطح توسعه یافتگی و رقابت پذیری اقتصاد به شمار می رود. شاخصهای فرعی که برای اندازه گیری درجه بازبودن اقتصاد مورد توجه قرار گرفته اند به شرح زیرند:

- سطح تعرفه های تجارت خارجی و محدودیتهای آشکار و پنهان موجود.
 - مهیا بودن ارز برای واردات با نرخهای رسمی
 - وجود اولویتهای سیاستگذاری جهت توسعه صادرات
 - وجود نظام ارزی مناسب و ثبات نرخ ارز
 - دسترسی به بازار سرمایه در خارج کشور و دسترسی خارجیان به بازار سرمایه داخلی
 - عدم وجود قوانین محدودکننده مهاجرت و به کارگیری نیروی کار خارجی
 - میزان مشارکت خارجیان در سرمایه گذاری داخلی و میزان حمایت از این سرمایه گذاریها
 - حجم تجارت خارجی نسبت به تولید ناخالص داخلی
 - نرخ واقعی و موثر ارز
- مجموعاً برای اندازه گیری بازبودن اقتصاد از ۲۲ شاخص (که خلاصه آنها در بالا آمده است) استفاده شده است که ۱۷ شاخص کیفی و از طریق نظر سنجی بدست آمده است و ۵ شاخص باقیمانده از اطلاعات موجود در کشور بدست آمده است. از تلفیق این شاخصها درجه بازبودن اقتصاد محاسبه شده است. براساس این محاسبات کشورهای هنگ کنگ، لوکزامبورگ، سنگاپور، کانادا و اندونزی به ترتیب دارای بازترین اقتصاد و کشورهای ویتنام، زیمبابوه، هند، روسیه و آفریقای جنوبی دارای بسته ترین اقتصاد در سال ۱۹۹۷ بوده اند.

۲ - کارایی دولت

- دومین عامل تشکیل دهنده شاخص رقابت پذیری درجه کارایی دولت است. کارایی دولت اساساً از طریق اثر سیاستهای مالی بر اقتصاد ملی، میزان دخالت دولت در اقتصاد و کیفیت خدمات دولتی اندازه گیری شده است. شاخصهای فرعی برای اندازه گیری درجه کارایی دولت به شرح زیر است:
- نقش و اهمیت شرکتهای دولتی در اقتصاد
 - کارایی مقررات و قوانین دولتی

- زیربناسازی یکی از الزامات غیر قابل تردید توسعه و رشد اقتصادی است.
- هرچه بازار کار انعطاف پذیرتر و شفاف تر باشد، رشد اقتصادی سهولت بیشتری دارد.

- میزان و نحوه پرداخت یارانه‌ها
- گستردگی دیوانسالاری
- قابلیت اجرایی و شفاف بودن سیاست‌های دولت
- استقلال خدمات دولتی از گروه‌های فشار
- کارایی نظام مالیاتی و میزان فرار مالیاتی
- ترکیب هزینه‌های دولت
- حجم هزینه‌های دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی
- حجم پس‌انداز دولت
- نرخ مالیات بر درآمد شرکتها و مالیات بر ارزش افزوده

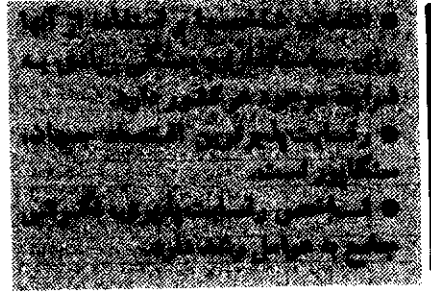
● نرخ مالیات بر درآمد افراد

از شاخصهای فرعی فوق جمعاً ۲۱ شاخص جهت محاسبه درجه کارایی دولت استخراج شده است. و با این شاخصهای فرعی کشورهای منتخب رتبه‌بندی شده‌اند. براساس محاسبات انجام شده از ۲۱ شاخص کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، شیلی، تایلند و اندونزی دارای کاراترین دولتها و کشورهای اوکراین، ایتالیا، یونان و روسیه دارای ناکارآمدترین دولتها در سال ۱۹۹۷ از نظر رقابت‌پذیرکردن اقتصاد ملی بوده‌اند.

۳- بازار سرمایه

این عامل درجه کارایی بازار سرمایه را جهت چگونگی تخصیص منابع موردتوجه قرار می‌دهد. این عامل در بسیاری از مطالعات اقتصادی موردتوجه قرار گرفته است و بسیاری از صاحب‌نظران توسعه کشورهای توسعه‌نیافته را با فقدان بازارهای گسترده مالی شناسائی کرده‌اند. در این عامل کارایی بازار سرمایه از نظر تخصیص مصرف فعلی و آینده و هدایت پس‌اندازهای موجود به سمت سرمایه‌گذاری در فعالیتهای مولد موردتوجه قرار گرفته است. شاخصهای فرعی زیر برای اندازه‌گیری بازار سرمایه مورد استفاده قرار گرفته‌اند:

- درجه پیچیدگی بازار سرمایه
- میزان عرضه سرمایه برای کارآفرینان
- مشارکت موسسات اعتباری خارجی در کشور
- شرایط عمومی بانکهای داخلی
- سطح نرخ بهره بازار در مقایسه با نرخ متوسط جهانی
- کفایت و سلامت مقررات بازار سرمایه
- چگونگی بازار اوراق قرضه و سهام
- سهولت ورود و بانکهای جدید به بازار سرمایه
- حجم دارائیهای بخش بانکی



● حجم سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی نسبت به تولید ناخالص داخلی و تغییرات آن در ۵ سال گذشته

● حجم پس‌انداز ناخالص ملی و تغییرات آن

از یازده شاخص فرعی فوق ۲۲ شاخص محاسباتی استخراج و کشورهای جهان از نظر کارایی بازار سرمایه مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. اندازه‌گیری کارایی بازار سرمایه نشان می‌دهد که کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، انگلستان، امریکا و کانادا به ترتیب دارای کاراترین بازار سرمایه و کشورهای اوکراین، روسیه، یونان، پرو و ترکیه به ترتیب دارای ناکارآمدترین بازار سرمایه در سال ۱۹۹۷ بوده‌اند.

۴- کیفیت و کمیت زیربناها

زیربناسازی یکی از الزامات غیرقابل تردید توسعه و رشد اقتصادی است. گستردگی، تناسب و کارایی زیربناها در شاخص رقابت‌پذیری موردتوجه قرار گرفته است. در بررسی زیربناها، نه تنها کمیت و کیفیت شبکه حمل‌ونقل، ارتباطات، سیستم برق‌رسانی موردتوجه قرار گرفته است، بلکه حجم انبارهای کشور و شبکه توزیع کالا نیز به‌عنوان اجزاء دیگر زیربنای اقتصادی دیده شده است. شاخصهای فرعی زیر برای اندازه‌گیری زیربنای اقتصادی در نظر گرفته شده‌اند:

- کیفیت و کمیت راههای زمینی، هوایی و دریایی
- امکانات بنادر موجود در کشور
- نمابر، تلفن و ارتباطات بین‌المللی
- توزیع برق
- هزینه انرژی
- سیستم انبارداری و شبکه توزیع
- حجم سرمایه‌گذاریهای زیربنایی
- سهولت تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری زیربنایی
- مشارکت بخش خصوصی در زیربناسازی
- هزینه مطالعات خارجی

از شاخصهای فوق جمعاً ۲۸ شاخص استخراج و کارایی زیربنای اقتصادی گستردگی این زیربناها اندازه‌گیری شده است. محاسبات انجام شده نشان می‌دهد هنگ‌کنگ، سنگاپور، امریکا، کانادا و استرالیا دارای بهترین کمیت و کیفیت در زیربناها؛ اقتصادی بوده‌اند و ضعیف‌ترین عملکرد در سال ۱۹۹۷ به ترتیب در کشورهای زیمبابوه، روسیه، اردن، لهستان و اوکراین بوده است.

۵- فن‌آوری

حجم فعالیتهای تحقیق و توسعه و سطح فن‌آوری و حجم سرمایه‌انسانی موجود در کشور از عوامل مهم شاخص فن‌آوری به حساب می‌آیند. در این محاسبه فن‌آوری با توجه به وزن که در اندازه‌گیری دارد یکی از عوامل مهم در تعیین سطح رقابت‌پذیری کشورها به حساب آمد است. شاخصهای فرعی فن‌آوری به قرار زیرند:

- درجه پیچیدگی فن‌آوری
- توسعه آموزش ریاضیات و علوم در کشور
- کمیت و کیفیت تحقیقات علمی
- هزینه‌های انجام شده تحقیق و توسعه نسبت به تولید ناخالص داخلی
- همکاری صنعت و دانشگاه
- میزان تجاری شدن تحقیق و توسعه
- حجم نوآوریهای بومی در کشور
- انتقال و انطباق فن‌آوری در واحدهای تولیدی
- حجم خرید فن‌آوری و تعداد اختراعات ثبت شده
- تعداد مهندسان و دانشمندان
- تعداد کامپیوترهای موجود به ازای هر هزار نفر
- ثبت نام آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی برای مردان و زنان
- تعداد مجریان و کاربران اینترنت
- تعداد مکالمات بین‌المللی و تولید سیستم‌های پردازش اطلاعات

از میان شاخصهای فوق ۲۹ شاخص استخراج و با کمک آنها سطح فن‌آوری کشورها اندازه‌گیری شده است. محاسبات نشان می‌دهد که سنگاپور و امریکا از نظر فن‌آوری جزء بهترینها و ونزوئلا و اردن جزء بدترینها در سال ۱۹۹۷ بوده‌اند. فنلاند، کانادا و سوئد نیز به ترتیب رتبه سوم تا پنجم را بدست آورده‌اند و کشورهای کلمبیا، روسیه و پرو نیز به ترتیب رتبه‌های ۴۹، ۵۰ و ۵۱ را بدست آورده‌اند و از نظر این شاخص

ضعیف‌ترین کشورها از نظر وضعیت نولوژی بوده‌اند. باتوجه به تعدد شاخصهای ی در عامل فن‌آوری، رتبه‌بندی کشورها از این ر دارای اعتبار آماری خوبی است. مجمع صاد جهانی تمامی ۵۳ کشور منتخب را ساس سطح فن‌آوری مورد مقایسه قرار داده ت.

کیفیت مدیریت بنگاههای اقتصادی

معمولاً در مباحث اقتصاد رشد و توسعه ناههای اقتصادی و مدیریت آنها مورد توجه ر نگرفته است. در دهه ۸۰ و ۹۰ به تدریج چه صاحب‌نظران مدیریت و اقتصاد به ناههای اقتصادی جلب شد و کیفیت مدیریت بنگاهها مورد بازبینی قرار گرفت. طبعاً یریت مطلوب این بنگاهها از عوامل مهم رشد وسعه اقتصاد ملی به‌شمار می‌رود، هرچند که صاد ملی خود بستر رشد و توسعه این بنگاهها شمار می‌رود. مجمع اقتصاد جهانی با منظور دن کیفیت مدیریت بنگاهها گام مهمی در رش جامع به عوامل رشد اقتصادی برداشته ت. در این عامل وجود استراتژی و تدوین آن بنگاهها، توسعه و طراحی محصول، کنترل یت، عملیات مالی، توسعه منابع انسانی و اریایی مورد توجه و اندازه‌گیری قرار گرفته ت. برای اندازه‌گیری این عامل از شاخصهای عی زیر استفاده شده است:

- کیفیت مدیریت بنگاهها در مقایسه با سطح هانی
- طراحی محصول
- تولید فن‌آوری
- مدیریت کیفیت جامع
- مهارتهای بازاریابی
- مشتری‌گرایی
- میزان علامت تجاری
- انگیزشها در کارکنان بنگاهها
- آموزش کارکنان
- تفویض مسئولیت
- کیفیت پرداختهای انجام شده به کارکنان
- مدیریت مالی
- کنترل هزینه
- کیفیت و کمیت آموزش مدیریت در کشور
- استفاده از تکنولوژی اطلاعات
- مهارتهای ارتباط بین‌المللی

در این عامل مجموعاً هیجده شاخص فرعی ای اندازه‌گیری کیفیت بنگاهها بهره گرفته شده

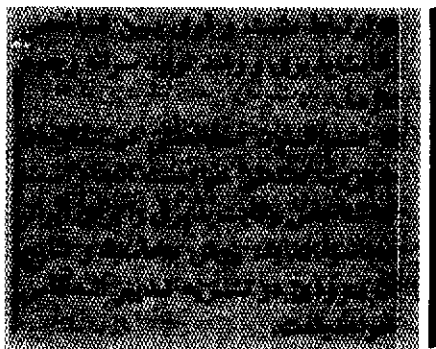
است. مجموعه محاسبات انجام شده نشان می‌دهد که بهترین نوع مدیریت به ترتیب در کشورهای امریکا، سوئد، کانادا، هلند و سوئیس وجود دارد و کشورهای اردن، اوکراین، ویتنام، لهستان و روسیه از بین ۵۳ کشور انتخاب شده دارای بدترین نوع مدیریت بوده‌اند.

۷- انعطاف‌پذیری بازار کار

در این عامل، کارایی و انعطاف‌پذیری نیروی کار اندازه‌گیری شده است. یعنی هرچه بازار کار انعطاف‌پذیر و شفاف‌تر باشد رشد اقتصادی سهولت بیشتری دارد. بنابراین وجود قوانین و مقررات خشک‌کاری، محدودیت اخراج نیروی کار و... از عوامل کندکننده رشد اقتصادی شناسایی شده‌اند. شاخصهای فرعی این عامل اختصاراً به شرح زیرند:

- حجم نیروی کار و مشارکت زنان
- استفاده از کار کودکان
- مشارکت در سیستم آموزش ابتدایی و متوسطه
- آموزش پرسنل
- بهره‌وری نیروی کار
- قوانین و محدودیتهای حداقل مزد
- ممنوعیت و محدودیت اخراج و استخدام
- بیمه بیکاری
- روابط کار و تعدد اعتصابات کارگری
- امکان چانه‌زنی جمعی اتحادیه‌های کارگری
- رشد نیروی کار نسبت به جمعیت
- نرخ میانگین شاغلین بخش صنعت
- نرخ بیکاری

در این حوزه ۲۱ شاخص از میان شاخصهای فوق استخراج و به وسیله آنها کارایی و انعطاف‌پذیری نیروی کار حساب شده است. کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور، تایوان، زیمبابوه و نیوزیلند دارای انعطاف‌پذیرترین بازار کار و کشورهای مجارستان، آفریقای جنوبی، ایتالیا،



وزن‌ها و بلژیک به ترتیب دارای انعطاف‌ناپذیرترین بازار کار در سال ۱۹۹۷ بوده‌اند.

۸- نهادهای اجتماعی و سیاسی

تناسب نهادهای اجتماعی و سیاسی با رشد اقتصادی آخرین عاملی است که برای اندازه‌گیری سطح رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای جهان به کار گرفته شده است. هرچند که این عامل کیفی است و محاسبه آن با اشکالات روش‌شناسی و اعتبار آماری مواجه است، ولی با وزن کمتر در شاخص رقابت‌پذیری منظور گردیده است. برای اندازه‌گیری این شاخص عمدتاً به نظرسنجی از ۳۰۰۰ مدیر خصوصی و دولتی بستنده شده است و لذا شاخصهای کمی برای اندازه‌گیری تناسب و کارایی نهادها به‌ندرت مورد استفاده قرار گرفته است. طبیعی است که در این حوزه باید شاخصهای مورد استفاده قرار گیرند که برای آنها در تمامی کشورها آمار و اطلاعات موجود باشد. کمبود این آمارها و مشکل کمیت‌پذیری نهادهای اجتماعی و سیاسی نهایتاً منجر به استفاده از شاخصهای فرعی کیفی شده است. در مجموع نوزده شاخص کیفی برای اندازه‌گیری کارایی نهادها مورد استفاده قرار گرفته است که عمدتاً نظر مدیران را راجع به مسائل زیر، بررسی می‌کند:

- عدم تسلط در بازار توسط چند بنگاه
- قوانین ضد تراست
- میزان اختلاس اداری
- حجم پرداختهای اضافی در معاملات تجاری
- احتمال سیاستهای ملی‌کردن صنایع
- سلامت نظام حقوقی
- قدرت بخش خصوصی در اقامه دعوی بر علیه دولت
- میزان تغییرپذیری قدرت موجود و انتقال صلح‌آمیز قدرت
- تعهدات دولت نسبت به اقدامات دولت قبلی
- نحوه حل و فصل مجادلات اجتماعی و سیاسی
- قدرت خدمات عمومی
- ثبات نهادهای موجود
- وجود نهادهای سیاسی دمکراتیک
- کارایی پلیس و نظام امنیتی
- عدم وجود جنایات و خلافهای اقتصادی
- وجود مسئولیت کالا در کشور
- روابط گسترده بین‌المللی

جدول ۲ - جایگاه رقابت پذیری مناطق مختلف جهان به تحکیم عوامل رقابت پذیری

منطقه	جایگاه کلی سال ۹۷	تغییر نسبت به سال ۹۶	بازبودن اقتصاد	دولت	بازار سرمایه	زیربناها	تکنولوژی	مدیریت	کار	نهاد
اتحادیه اروپا	۲۷	-۲	۲۰	۴۲	۲۶	۲۴	۲۲	۲۰	۳۸	۱۷
کشورهای انگلوساکسون (۱)	۹	۳	۱۱	۲۱	۱۲	۱۰	۷	۱۰	۱۴	۱۲
کشورهای آمریکای لاتین	۳۶	۲	۳۶	۲۲	۴۱	۳۸	۴۳	۳۶	۲۹	۴۱
کشورهای با اقتصاد کوچک و پویا	۵	-۲	۸	۸	۸	۸	۱۳	۹	۷	۱۵
کشورهای آسیای شرقی (۲)	۱۹	۲	۲۵	۱۰	۱۶	۲۲	۲۷	۲۶	۱۵	۳۱
کشورهای در حال گذر (۳)	۴۵	۰	۴۲	۳۸	۴۲	۴۳	۳۸	۴۸	۳۸	۴۲
سایر کشورها	۳۵	-۲	۳۷	۳۰	۳۴	۳۵	۳۲	۳۴	۳۱	۲۹

(۳) شامل کشورهای جمهوری چک، مجارستان، لهستان، روسیه، اسلواکی، اوکراین، ویتنام.
رتبه شاخص رقابت پذیری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و تولید سرانه نیز برای این مناطق در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

(۱) شامل کشورهای استرالیا، کانادا، ایرلند، نیوزیلند، انگلستان و آمریکا.
(۲) شامل کشورهای چین، اندونزی، ژاپن، کره، مالزی، فیلیپین، تایلند و تایوان

جدول ۳ - رشد و رتبه رقابت پذیری مناطق مختلف جهان ۱۹۹۷

منطقه	رتبه رقابت پذیری	نرخ رشد تولید سرانه سالهای ۹۶-۱۹۹۱	نرخ رشد تولید سرانه در سال ۱۹۹۶
اتحادیه اروپا	۲۷	۱/۴	۱/۶
کشورهای انگلوساکسون	۹	۲/۷	۲/۵
امریکای لاتین	۳۶	۴/۳	۱/۷
کشورهای با اقتصاد کوچک	۵	۴/۷	۲/۸
کشورهای شرق آسیا	۱۹	۶/۸	۵/۴
کشورهای در حال گذر	۴۵	-۲/۸	۱/۶

محاسبات موجود براساس این شاخصها نشان می دهد که کشورهای دانمارک، آلمان، انگلستان، هلند و مصر دارای کاراترین و متناسب ترین نهادهای قضائی، اجتماعی و سیاسی برای رشد اقتصادی بوده اند. کلمبیا از این نظر در قعر جدول و کشورهای روسیه، ونزوئلا، آفریقای جنوبی و مکزیک به ترتیب پس از کلمبیا دارای نامتناسب ترین و ناسالم ترین نهادهای سیاسی و اجتماعی بوده اند.

محاسبات انجام شده با CI

کاربرد شاخص رقابت پذیری توسط مجمع جهانی اقتصاد با روشهای متعدد مورد آزمون قرار گرفته است. بررسی های مجمع جهانی اقتصاد نشان می دهد که در سال ۱۹۹۷ کشورهای کوچک با اقتصاد باز و پویا دارای سطح رقابت پذیری بالا و نرخ رشد قابل قبولی بوده اند. گذشته از کشورهای کوچک آسیای شرقی، آمریکا دارای بالاترین سطح رقابت پذیری است. زیر شاخصها نشان می دهد که آمریکا از نظر تکنولوژی و مدیریت بنگاهها نقش مسلط در جهان را دارا است. این مطالعات همچنین نشان می دهد که پویاترین و رقابت پذیرترین کشورهای جهان دارای ۴/۷ درصد نرخ رشد میانگین سالانه در سالهای ۹۶-۱۹۹۱ بوده اند و در این دوره نرخ رشد درآمد سرانه شان سالانه به طور متوسط ۲/۸ درصد رشد داشته است. کشورهای هنگ کنگ، لوکزامبورگ، سنگاپور و سوئیس که دارای اقتصاد کوچک و شدیداً برونگرا هستند و در عین حال ساختار تولیدی آن عمدتاً معطوف به خدمات است در مجموعه کشورهای موفق رتبه بندی شده اند. سایر کشورها به همین نحو گروه بندی شده و در جدول ۲ نشان داده شده اند.

پانویس:

۱ - در این مطالعه ۵۳ کشور مهم جهان مورد مطالعه قرار گرفته اند. حجم تولید ناخالص داخلی این کشورها رویهم ۹۵ درصد تولید جهان است لذا کشورهایی که از مطالعه حذف شده اند کشورهایی هستند که اقتصاد آنها مهم نبوده است. طبعاً دلیل حذف ایران مهم نبودن اقتصاد آن نیست.
۲ - هم اکنون مطالعات در سازمان مدیریت صنعت در دست انجام است که این شاخص را برای ایرا محاسبه نماید. به محض آماده شدن، روش محاسبه و نتایج آن در نشریه تدبیر انعکاس خواهد یافت.

براساس این مطالعات و محاسبات اقتصادسنجی انجام شده ارتباط مثبت و قوی بین شاخص رقابت پذیری و رشد تولید سرانه بدست آمده است.
گذشته از رابطه قوی این شاخص و رشد اقتصادی، رابطه سرمایه گذاری مستقیم خارجی FDI، تکنولوژی اطلاعات، مقررات محیطی و... متغیرهای دیگر مورد بررسی و محاسبه قرار گرفته است که در این مجموعه مختصر قابل طرح نیست. □

● کاربرد شاخص رقابت پذیری توسط مجمع جهانی اقتصاد با روشهای متعدد مورد آزمون قرار گرفته است.
● در سال ۱۹۹۷، کشورهای کوچک با اقتصاد باز و پویا دارای سطح رقابت پذیری بالا و نرخ رشد قابل قبولی بوده اند.

● دکتر ایمانی راد: عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی دکترا در اقتصاد توسعه و برنامه ریزی